



اصول روانشناختی در تدریس

معصومه تفضلی مهرجردی^۱، مژده فضایی^۲، سجاد نوشهری^۳، حمید آقازاده^۴

۱- کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر، دانشگاه آزاد واحد میبد

M.tafazol@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

M.fazayeli@gmail.com

۳- کارشناسی کامپیوتر، دانشگاه پیام نور دولت آباد اصفهان

s.noshahri@gmail.com

۴- کارشناسی فیزیک، دانشگاه شهید مدنی تبریز

H.aghazade@gmail.com

چکیده:

در این مقاله، اصول روانشناختی که در تدریس مورد بررسی قرار می گیرند، به عنوان یک راهنمای اساسی برای بهبود فرآیند یادگیری و تدریس بررسی می شوند. این اصول شامل ادراک و یادگیری، موانع روانشناختی، توجه و حافظه، تعاملات اجتماعی، و اهمیت تناسب با نیازهای دانش آموزان می شوند. این پژوهش به افزایش بهره وری و اثربخشی در فرآیند تدریس و یادگیری کمک می کند. بررسی اصول روانشناختی در تدریس متمرکز بر ادراک و یادگیری دانش آموزان، شناخت موانع روانشناختی، توجه و حافظه، تعاملات اجتماعی، و تناسب با نیازهای فردی. این اصول معلمان را در بهبود روش های آموزشی، مدیریت کلاس، و ارتقاء ارتباطات معلم-دانش آموز یاری می کنند.

واژگان کلیدی: روانشناختی، تدریس، یادگیری



۱- مقدمه:

در این مقاله، تأکید بر اهمیت نقش روانشناختی در فرآیند تدریس و یادگیری و ارتباط آن با بهبود عملکرد تحصیلی و تعاملات کلاسی بررسی می‌شود. بررسی اصول روانشناختی از جوانب مختلف، از جمله ادراک و یادگیری، موانع روانشناختی، توجه و حافظه، تعاملات اجتماعی، و تناسب با نیازهای دانش‌آموزان، می‌تواند معلمان را در شناخت بهتر دینامیک‌های ذهنی دانش‌آموزان یاری دهد و راهکارهای مناسبی را برای بهبود فرآیند یادگیری و تدریس ارائه نماید. در ادامه، این بررسی به تفصیل به هر یک از اصول روانشناختی مذکور می‌پردازد. این تفحصات انجام شده به منظور ارتقاء دقت و کارایی در فرآیند آموزشی است. به عنوان مثال، با توجه به اصل ادراک و یادگیری، تدابیری ارائه می‌شود که ادراکات دانش‌آموزان در تدریس لحاظ گردد و از طریق مطالب جذاب و تنوع در روش‌های آموزشی، فرآیند یادگیری بهبود یابد. همچنین، با بررسی موانع روانشناختی، راهکارهایی برای مقابله با استرس‌ها و اضطراب‌های دانش‌آموزان ارائه خواهد شد. این مطالعه سعی دارد با تجزیه و تحلیل هر یک از اصول، به معلمان ابزارهای کاربردی و کارآمدی را در اختیار بگذارد تا تدریس را به یک تجربه یادگیری بهینه تبدیل کنند.

در این پژوهش، اهداف و سوالات زیر مدنظر قرار می‌گیرند:

اهداف تحقیق:

۱. بررسی تأثیر اصول روانشناختی بر بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان.
۲. شناسایی راهکارهای موثر برای ادراک و یادگیری بهینه دانش‌آموزان در فرآیند تدریس.
۳. ارزیابی تأثیر مقابله با موانع روانشناختی بر افزایش مشارکت و تعاملات مثبت در کلاس درس.

سوالات پژوهش:

۱. آیا استفاده از اصول روانشناختی در تدریس بهبود قابل ملاحظه‌ای در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایجاد می‌کند؟
 ۲. چه تکنیک‌ها و راهکارهایی می‌تواند به بهترین شکل ادراک و یادگیری دانش‌آموزان کمک کند؟
 ۳. چگونه می‌توان موانع روانشناختی را شناسایی کرد و به مقابله با آن‌ها پرداخت؟
 ۴. آیا حضور اصول روانشناختی در تدریس می‌تواند به افزایش تعاملات مثبت و مشارکت در کلاس درس منجر شود؟
- با تحلیل و پاسخ به این اهداف و سوالات، این تحقیق به تدریس بهینه‌تر و بهبود فرآیند یادگیری در محیط تحصیلی کمک خواهد کرد.

اصول تعلیم و تربیت و جریانهای اجتماعی:

همکاری: از لحاظ جامعه‌شناسی جریانی است که در آن افراد و گروه‌ها برای نیل به هدفهای عمومی فعالیتهای خود متحد کرده و از کمک یگدیگر برخوردار باشند و موفقیت یک فرد یا یک گروه عین موفقیت افراد و گروه‌های دیگر باشد ادامه حیات اجتماعی تا حد زیادی مربوط همکاری و اشتراک مساعی افراد جامعه است عادات به همکاری و ادراک ارزش آن در زندگی اجتماعی امری است که باید توجه مربیان باشد. شرکت دادن بچه‌ها در فعلیتهای تربیتی و تعلیماتی و اقدام به کارهای دسته جمعی روح همکاری در میان آنها تقویت می‌کند اساس کارهای تربیتی باید به همکاری معلم، شاگرد و والدین استوار باشد روی این اصل معلم باید در تهیه برنامه، انتخاب مواد درسی، تعیین هدفهای تربیتی و ارزش سنجی پیشرفت شاگردان با آنها همکاری نمایند و در حل مسائل شخصی و اجتماعی با هر یک از شاگردان اشتراک مساعی کند.

در خانه و سایر موقعیتهای با آداب و رسوم قوانین، مقررات، میزانهای خاصی روبرو می‌شوند پاره‌ای از این امور برای ادامه زندگی ضروری است و فرد اجباراً باید از آنها پیروی کند تا بتواند در یک وضع رضایت آمیز با دیگران به سر ببرد نکته مهم در سازگاری این است که مربی نباید انتظار داشته باشد که فرد حالت پذیرندگی و انفعالی بخود گیرد و خود تسلیم محیط و موقعیت کند در این صورت خصوصیت فردی شخص مضمحل می‌گردد و حالت استقلال وی از میان می‌رود.

مخالفت: یکی دیگر از جریانهای اجتماعی مخالفت است از لحاظ جامعه‌شناسی مخالفت به آن دسته عکس العمل‌های اطلاق می‌شود که فرد به وسیله آنها می‌خواهد از شرایط و عوامل معینی برای نیل به هدفهای خود استفاده نماید در صورتی که همین شرایط مانع موفقیت دیگران در نیل به هدفها است.

مخالفت اجتماعی مشتمل بر تضاد و رقابت است مخالفت ممکن است امری درونی باشد یعنی فرد برای ترجیح دو شخص یا گروه‌های مختلف ظاهر می‌گردد از لحاظ تربیتی معلم وظایف خاصی در مقابل این جریان دارد در موقع مخالفت هی درونی مثل تضاد میان استعداد و تمایلات فرد با تضاد میان احتیاجات و رغبتهای شخصی و مخالفت میان تمایلات و مصلحت فرد معلم باید با افراد کمک کند تا خود را بهتر بشناسد استعداد، احتیاج،



رغبتها و مصالح خویشتن را بهتر بشناسد و تمایلات خود را تحت نظر عقل و خرد خویش در آورند در مورد مخالفت میان اشخاص ، مربی باید افراد و را به حقوق و وظایف خود آشنا سازد و اختلاف نظر افراد را وسیله ای برای رشد فکری و اخلاقی شان قرار دهد.

توافق: یکی از جریان های اجتماعی است که در آن روابط اشخاص به منظور جلوگیری از تضاد یا تقلیل و از بین بردن آن تغییر می یابد و سازش میان افراد توسعه پیدا می کند. توافق و سازش متقابل در زندگی اجتماعی کمال اهمیت را دارد. چون غالب اوقات رفع اختلافات فکری به طور کلی میسر نیست بنا بر این توافق و سازش در میان افرادی که دارای افکار و عقاید مختلف هستند ضروری به نظر نمی رسد. از نظر تربیتی این جریان اهمیت خاصی دارد. در دنیای امروز اقوام مختلف در اثر پیشرفت وسایل ارتباطی با یکدیگر در تماس هستند. ادامه این تماسها برای توسعه و پیشرفت تفاهم بین المللی امری ضروری است. بنا برین افراد باید خود را برای برخورد با افکار و نظریات مختلف آماده سازند معلم نیز در مدرسه دائما با افکار و عقاید گوناگون سروکار دارد. او باید از هر گونه تعصبی عری باشد و قدرت تحمل " سعه صدر " داشته باشد تا بتواند در بررسی افکار و نظریات مختلف به شاگردان کمک کند و طرز تفکر علمی را در میان ایشان رسوخ دهد.

اصول روان شناختی در تدریس شامل مجموعه ای از راهنماها و تکنیک ها هستند که بر مبنای تحقیقات و نظریه های روان شناسی توسعه یافته اند. این اصول به معلمان کمک می کنند تا با بهترین شکل ممکن از اصول روان شناختی در فرآیند تدریس استفاده کنند. به عنوان مثال:

۱. اصل ادراک و یادگیری: این اصل بر اهمیت توجه به چگونگی دریافت و پردازش اطلاعات توسط دانش آموزان تأکید دارد. معلمان می توانند با استفاده از راهکارهایی مانند ارائه محتوا به شیوه های مختلف یا فراهم کردن فعالیت های تعاملی، ادراک و یادگیری را بهبود بخشند.
۲. اصل موانع روان شناختی: این اصل به شناخت و مدیریت موانعی مانند استرس، اضطراب، یا عدم تمرکز دانش آموزان اشاره دارد. معلمان با فهم دقیق از موانع روان شناختی، می توانند راهکارهایی ارائه دهند که به کاهش این موانع کمک کند.
۳. اصل توجه و حافظه: توجه به تقویت توجه و حافظه دانش آموزان می پردازد. استفاده از تکنیک های تدریسی مانند تکرار فعال، استفاده از تصاویر و ارتباط محتوا با تجربیات دانش آموزان از جمله راهکارهای این اصل می باشد.
۴. اصل تعاملات اجتماعی: این اصل به توجه به نیازها و تعاملات اجتماعی دانش آموزان اشاره دارد. معلمان می توانند با ارتقاء همکاری گروهی، ارتباطات مثبت و ایجاد محیطی اجتماعی حمایتی، به بهبود تعاملات کلاسی کمک کنند.
۵. اصل تناسب با نیازهای دانش آموزان: این اصل به اهمیت تنظیم محتوا و روش های آموزشی به گونه ای که با نیازها و تفاوت های فردی دانش آموزان هماهنگ باشد، تأکید دارد. استفاده مؤثر از این اصول می تواند در بهبود کیفیت فرآیند تدریس و یادگیری تأثیرگذار باشد.

عوامل متعددی در تدریس و پیاده سازی اصول روان شناختی تأثیرگذار هستند. برخی از این عوامل عبارتند از:

۱. شناخت دقیق از دانش آموزان: فهم عمیق از ویژگی ها، نیازها، و تفاوت های فردی دانش آموزان به معلمان کمک می کند تا اصول روان شناختی را به گونه ای اعمال کنند که به بهترین شکل با توانمندی ها و نیازهای هر دانش آموز هماهنگ باشد.
۲. استفاده از تکنولوژی آموزشی: انتخاب و به کارگیری ابزارهای تکنولوژی آموزشی که با اصول روان شناختی هماهنگ باشند، می تواند عملکرد تدریس را بهبود بخشیده و به دانش آموزان امکان یادگیری بهتری را فراهم آورد.
۳. ارتباط فعال با دانش آموزان: ارتباط و ارتباطات فعال معلم با دانش آموزان می تواند به درک بهتر از نیازها و مشکلات آن ها کمک کرده و اجازه تطبیق بهتر اصول روان شناختی را فراهم سازد.
۴. آموزش به معلمان در زمینه روان شناسی تربیتی: آموزش معلمان در زمینه مفاهیم روان شناسی تربیتی و اصول آن، آن ها را به تفهیم بهتر نحوه اعمال این اصول در محیط تدریس مجهز می کند.
۵. محیط حمایت آمیز: ایجاد یک محیط تحصیلی که حمایت آمیز باشد و به دانش آموزان احساس امنیت و تحریک انگیزه را فراهم کند، می تواند بر اعمال مؤثر اصول روان شناختی تأثیرگذار باشد.
۶. مطالعات تحقیقاتی مستمر: معلمان می توانند با پیگیری مطالعات و تحقیقات روز در زمینه روان شناسی تربیتی، اصول روان شناختی جدید را در تدریس خود به کار ببرند و فرآیند یادگیری خود را به روز نگه دارند. همه این عوامل به یکدیگر ترکیب شده و با توجه به شرایط خاص محیط تدریس، به بهبود عملکرد تدریس و یادگیری کمک می کنند.



عوامل متعددی در اصول روانشناختی که به یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کنند، نقش دارند. برخی از این عوامل شامل موارد زیر می‌شوند

۱. ارتباط معلم-دانش‌آموز: اصول روانشناختی تأکید دارند که ارتباط مثبت و حمایت‌آمیز میان معلم و دانش‌آموز به یادگیری مؤثر کمک می‌کند. ایجاد یک محیط ارتباطی باز و دوسویه، احساس امنیت و ارادت دانش‌آموزان را تقویت می‌کند.
۲. تناسب با سطح یادگیری: توجه به سطح دانش و توانمندی‌های دانش‌آموزان و ارائه محتوا و فعالیت‌ها با تناسب با این سطح، باعث افزایش مشارکت و توجه دانش‌آموزان به یادگیری می‌شود.
۳. توجه به نیازها و علاقه‌ها: شناخت نیازها، علایق، و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان به معلمان این امکان را می‌دهد که محتوا و روش‌های آموزشی را به گونه‌ای طراحی کنند که باعث جلب توجه و اشتیاق به یادگیری شود.
۴. استفاده از روش‌های تدریس چندحسی: استفاده از روش‌های آموزشی که به چندین حس حواسی دانش‌آموزان متناسب باشند، فرآیند یادگیری را تنوع بخشیده و اطلاعات را بهتر جذب می‌کند.
۵. توجه به اصول حافظه: تکنیک‌های تدریسی که به تقویت حافظه دانش‌آموزان کمک می‌کنند، مانند تکرار فعال و ایجاد ارتباط‌های ذهنی، به بهترین شکل از اصول روانشناختی بهره می‌برند.
۶. ترتیب و سازماندهی محتوا: ساختاردهی محتوا و درس‌ها به گونه‌ای که با اصول حافظه و یادگیری مؤثر تطابق داشته باشد، باعث بهبود فرآیند یادگیری و درک مفاهیم توسط دانش‌آموزان می‌شود.

این عوامل به همراه پیاده‌سازی اصول روانشناختی می‌توانند یادگیری دانش‌آموزان را تسهیل کرده و تجربه تحصیلی آن‌ها را بهبود بخشند.

تاریخچه اصول روانشناختی در تدریس:

تاریخچه اصول روانشناختی در تدریس به طور گسترده‌تر از دهه‌های گذشته آغاز شده است. این اصول از نتایج تحقیقات و نظریه‌های مختلف روان‌شناسی گرفته شده‌اند. در زیر یک چکیده از تاریخچه اصول روانشناختی در تدریس آورده شده است:

با وجود اینکه روانشناسی شناختی نسبتاً جدید به حساب می‌آید، به سرعت رشد کرده و به یکی از محبوب‌ترین زیرشاخه‌ها تبدیل شده است. روانشناسی شناختی در طول دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ برجسته و رایج شد.

قبل از این زمان، رفتارگرایی (Behaviorism) دیدگاه غالبی در روانشناسی بود. سپس محققان به جای تمرکز بر صرف رفتار، به فرایندهای درونی که بر رفتار تأثیر می‌گذارد، بیشتر علاقه‌مند شدند.

از این تغییر اغلب به عنوان انقلاب شناختی (Cognitive Revolution) در روانشناسی نام برده می‌شود. در این مدت، تحقیقات زیادی در مورد موضوعاتی از جمله حافظه، توجه و یادگیری زبان صورت گرفت. و در نهایت روانشناسی شناختی پس از دهه ۱۹۵۰ در نتیجه‌ی انقلاب شناختی رایج‌تر شد. در سال ۱۹۶۷، روان‌شناسی به نام اولریک نایسر (Ulric Neisser)، اصطلاح روان‌شناسی شناختی را معرفی کرد، که او آن را مطالعه‌ی فرایندهای مربوط به ادراک، تبدیل، به‌یادسپاری و بازیابی اطلاعات تعریف کرد.

تحقیقات کنونی در روانشناسی شناختی

حوزه‌ی روانشناسی شناختی هم گسترده و متنوع است و هم ابعاد بسیار زیادی از زندگی روزمره ما را مورد بررسی قرار می‌دهد. خروجی‌های کاربردی متعددی برای تحقیقات حوزه‌ی روانشناسی شناختی وجود دارد، مانند ارائه‌ی کمک در زمینه‌ی مقابله با اختلالات حافظه، تصمیم‌گیری بهتر، بهبودی از آسیب مغزی، درمان اختلالات یادگیری، و تهیه‌ی برنامه‌های آموزشی برای تقویت یادگیری.

تحقیقات کنونی در زمینه روانشناسی شناختی کمک شایانی به نحوه‌ی درمان بیماری‌های روانی، آسیب‌ها و ضربه‌های مغزی و بیماری‌های فرساینده‌ی مغزی کرده‌است. به لطف روانشناسی شناختی می‌توانیم راه‌هایی برای سنجش توانایی‌های فکری انسان، تهیه، و استراتژی‌های جدیدی برای مبارزه با مشکلات حافظه، و رمزگشایی از عملکرد مغز انسان ایجاد کنیم که همه‌ی این‌ها در نهایت بر نحوه‌ی درمان اختلالات شناختی تأثیرگذار خواهد بود.

روانشناسی شناختی حوزه‌ی به سرعت در حال رشد است و به ما کمک می‌کند تا تأثیرات فرایندهای ذهنی بر سلامتی و زندگی روزمره را درک کنیم. روان‌شناسی شناختی به ما کمک کرده تا فهم عمیق‌تر و غنی‌تری از بسیاری از رویدادهای ذهنی مؤثر بر زندگی‌مان به دست آوریم: از فهم چگونگی تغییر فرایندهای شناختی در یک کودک گرفته، تا درک اینکه چگونه مغز ورودی‌های حسی را به ادراکات تبدیل می‌کند.



در تحقیقات مرتبط با بررسی اصول روانشناختی در تدریس، به چند یافته مهم می توان اشاره کرد:

۱. **اهمیت تطابق با اصول یادگیری:** تدریس بر اساس اصول روانشناختی، با توجه به نظریه های یادگیری و تفاوت های فردی در دانش آموزان، می تواند به بهبود تجربه تحصیلی و یادگیری کودکان کمک کند. مطالعات نشان داده اند که تدریسی که با اصول مشاهده، تجربه و نظریه های یادگیری همخوانی دارد، موثرتر است.

۲. **استفاده از انگیزش:** اصول روانشناختی تأکید دارند که انگیزش یک عامل اساسی در یادگیری است. تحقیقات نشان داده اند که ارتقاء انگیزه دانش آموزان از طریق ارتباط با محتوا، اعطای اهداف جذاب، و ایجاد چالش های مناسب می تواند به بهبود عملکرد تحصیلی منجر شود.

۳. **توجه به حافظه کاری:** اصول روانشناختی به اهمیت حافظه کاری در یادگیری تأکید دارند. طراحی فعالیت های آموزشی و تدریس با در نظر گرفتن ظرفیت حافظه کاری دانش آموزان می تواند به بهبود فرآیند یادگیری و یادداری کمک کند.

۴. **استفاده از تنوع در روش های تدریس:** محققان نشان داده اند که تنوع در روش های تدریس و استفاده از راهکارهای متنوع می تواند به ترسیم یک تجربه یادگیری چند حسی و جذاب منجر شود. استفاده از تصاویر، فعالیت های عملی، و برنامه های آموزشی متنوع می تواند اثربخش باشد.

۵. **توجه به تحلیل و تفسیر اطلاعات:** اصول روانشناختی نشان می دهند که فرآیند تحلیل و تفسیر اطلاعات توسط دانش آموزان اساسی است. تدریس به گونه ای که دانش آموزان بتوانند اطلاعات را فهمیده و به کار برند، می تواند بهبود یادگیری را فراهم کند.

به طور کلی، استفاده از اصول روانشناختی در تدریس می تواند به بهبود تجربه تحصیلی و یادگیری دانش آموزان کمک کند. این اصول به معلمان امکان می دهند تا با دقت به نیازها و تفاوت های دانش آموزان پاسخ دهند و فرآیند یادگیری را موثرتر کنند.

نتیجه گیری: در نتیجه، از تحقیقات در زمینه بررسی اصول روانشناختی در تدریس مشخص می شود که:

۱. تطابق با اصول یادگیری: استفاده از رویکردهای تدریسی که با اصول یادگیری و تفاوت های فردی دانش آموزان همخوانی دارد، می تواند به بهبود تجربه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی کمک کند.

۲. ارتقاء انگیزه: ترتیب انگیزه دانش آموزان و ایجاد محیطی جذاب و چالش آفرین می تواند نقش بسزایی در تحقق اهداف تعلیم و تربیت داشته باشد.

۳. توجه به حافظه کاری: در نظر گرفتن ظرفیت حافظه کاری دانش آموزان در طراحی فعالیت های آموزشی می تواند به بهبود فرآیند یادگیری و تثبیت اطلاعات کمک کند.

۴. استفاده از تنوع در تدریس: تدریس با تنوع در روش ها و استفاده از وسایل و راهکارهای متنوع می تواند تجربه یادگیری دانش آموزان را بهبود بخشد.

۵. تحلیل و تفسیر اطلاعات: ایجاد فرصت ها برای تحلیل و تفسیر اطلاعات توسط دانش آموزان، به عنوان یک اصل روانشناختی، می تواند به فهم عمیق تر و اعمال علمی تر مفاهیم کمک کند. به طور کلی، در تدریس با تأکید بر اصول روانشناختی، از مهمترین اهداف می توان به بهبود تجربه تحصیلی، افزایش انگیزه، و تسهیل یادگیری دانش آموزان اشاره کرد. این نتایج نشان می دهند که استفاده هوشمندانه از اصول روانشناختی می تواند تأثیر مثبت و قابل توجهی در فرآیند تدریس و یادگیری داشته باشد.

۶. تأثیر گردش علمی اطلاعات: استفاده از رویکردهایی که بر اساس تحقیقات و گردش علمی اطلاعات ساخته شده اند، می تواند به معلمان کمک کند تا از جدیدترین دانش ها و روش های آموزشی بهره مند شوند و تدریس خود را به روز کنند.

۷. تعامل فعال با دانش آموزان: اصول روانشناختی تأکید دارند که تدریس باید به شیوه ای انجام شود که دانش آموزان در فرآیند یادگیری فعالیت داشته باشند. تعامل فعال و شناخت افراد در کلاس می تواند به بهبود فرآیند یادگیری کمک کند.

۸. توجه به تفاوت های فردی: شناخت و درک از تفاوت های فردی دانش آموزان، از جمله سطح دانش، نحوه یادگیری، و نیازهای شخصی، می تواند در طراحی برنامه تدریس و ارتقاء تجربه تحصیلی مؤثر باشد.

۹. آموزش مهارت های فراشناختی: به عنوان اصلی در روانشناسی، توسعه مهارت های فراشناختی از جمله تفکر منطقی، حل مسائل، و خلاقیت در تدریس می تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد و به تقویت توانمندی های دانش آموزان کمک کند.

۱۰. تأثیر بر انعطاف پذیری در تدریس: اصول روانشناختی می توانند به افزایش انعطاف پذیری در تدریس کمک کرده و معلمان را ترغیب به تطبیق با نیازها و ویژگی های مختلف دانش آموزان نمایند.

با استفاده از این یافته ها، معلمان می توانند تجربه تحصیلی دانش آموزان را بهبود بخشیده و فرآیند یادگیری را به شکلی اثربخش تر و موثرتر اداره کنند. همچنین، توجه به اصول روانشناختی می تواند در پیشبرد تعلیم و تربیت با توجه به نیازها و ویژگی های شاگردان کمک کند.



منابع

- (۱) اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خود تنظیمی بر خودپنداره تحصیلی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه اول. جامعه شناسی آموزش و پرورش ایران، ۱۰(۱۰)، ۶۹-۸۴.
- (۲) وحیدیان، زهره، نوریان، خیراله، وحیدیان، الهام، و رویین تن، سجاد. (۱۳۹۹). آموزش مهارت های زندگی بر بهزیستی روانشناختی و سرمایه روانشناختی در پرستاران بیمارستان شهید بهشتی شهر یاسوج. ارمغان دانش، ۲۵(۲) (پی در پی (۱) ۱۳۹)، ۳۰۱-۳۱۵.
- (۳) قدیری نیاری، ماریا، و مشکبیدحقیقی، محسن. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر درماندگی روانشناختی و ارتقای سرمایه روانشناختی بیماران مبتلا به دیابت استان گیلان. ایده های نوین روانشناسی، ۱۵(۱۹)، ۰۰-۰۰.
- (۴) اصلانخانی، محمدعلی، عبدلی، بهروز، کامکاری، کامبیز، و شاهین طبع، مهران. (۱۳۸۹). تاثیر برنامه آموزش روانشناختی بر بهداشت روانی بازیکنان نخبه بسکتبال. تحقیقات روانشناختی، ۲(۸)، ۱۰۳-۱۱۷.
- (۵) ایوبی، شهره، و بستان، نبی. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش زایمان فیزیولوژیک بر ابعاد روانشناختی سلامت روان زنان باردار. کنفرانس بین المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی.
- (۶) زهراکار، کیانوش، شفیع آبادی، عبدالله، و دلاور، علی. (۱۳۸۵). بررسی اثر بخشی آموزش تلقیح استرس (SIT) در کاهش اختلالات روانشناختی. پژوهش های مشاوره (تازه ها و پژوهش های مشاوره)، ۵(۱۷)، ۵۵-۷۶.